

FATF واخلاف ۴ بندی



پایک علیاری

کارشناس مسائل اقتصادی

پس از گذشت چند سال، هنوز درباره FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصمیم گیری نشده است در حالی که هر قدر بیشتر فرصت را برای پیوستن به این مجمع جهانی از دست می‌دهیم تبعات بیشتری را متوجه کشور می‌کنیم. مهم‌ترین تبعات آن عدم حضور در مبادلات بین‌المللی است. چراکه عدم پیوستن به FATF منجر به این مهم می‌گردد که نتوانیم نقش چندانی در مناسبات جهانی ایفا کنیم. در صورت قرار گرفتن در لیست سیاه هم، حتی دوستان‌مان که علاقه‌مند به ارتباط تجاری با ایران هستند آنها هم نمی‌توانند با ما وارد مرادوه و معاملات تجاری شوند. چراکه یکی از آن ۲۴ بند، مساله پولشویی است و چون متهم به پولشویی می‌شویم شرکت‌های خارجی هم در صورت معامله با ایران به پولشویی متهم شده و دچار تحریم‌های بین‌المللی می‌شوند به همین دلیل هم تمایلی به معامله نخواهند داشت. نخستین تاثیر منفی عدم پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی بر روی صادرات نفتی و غیر نفتی است که البته اثرش بر روی صادرات نفتی بیشتر خواهد بود، زیرا ما در صورت عدم الحاق به FATF نمی‌توانیم از منافع حاصل از صادرات بهره‌مند شویم. مساله دوم انتقال پول است که ایران عملا توانایی‌اش را بر روی انتقال پول کالاهای فروخته شده به داخل کشور از دست خواهد داد. در صورت امکان هم باید با هزینه بالایی این کار را انجام دهد. زیرا عدم پیوستن به FATF هزینه انتقال ارز به داخل را بالا خواهد برد. یکی دیگر از تبعات عدم پیوستن به مجمع جهانی FATA این است که نهادهای پولی و مالی جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول نمی‌توانند با ما همکاری کنند و وام دهند. در واقع کانالی برای انتقال پول وجود نخواهد داشت. تبعات دیگر عدم پیوستن به FATA، عدم سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است، چراکه سرمایه‌گذاری خارجی‌ها به کمترین حد خود رسیده است. در واقع بر اساس آمارهای موجود افغانستانی‌ها بیش‌ترین سرمایه‌گذاری را در کشور داشته‌اند و کشور‌های دیگر از سرمایه‌گذاری در ایران عقب کشیدند. بنابراین وقتی که ما نتوانیم سرمایه‌گذار خارجی جذب کنیم و از سویی استهلاک سرمایه‌های قبلی به خاطر عدم نوسازی بالا برود استهلاک از سرمایه پیشی می‌گیرد امری که در سه سال گذشته شاهد آن بودیم. از طرفی علاوه بر این عدم پیوستن به FATA تبعاتی هم برای بنگاه‌های اقتصادی کشور به کشور به دنبال خواهد داشت، هر قدر حجم این بنگاه کوچک‌تر باشد آسیب‌شان هم بیشتر خواهد بود که یکی از دلایل آن مقیاس هاست. زیرا هر چه مقیاس بنگاه‌ها کوچک‌تر باشد طبیعتاً هزینه‌های ثابت‌شان بالاتر خواهد بود و از عدم ارتباط با جهان بیشتر آسیب می‌بینند. علاوه بر این، عدم الحاق بر روی بازار ارز و فلزات گرانبها هم تاثیر می‌گذارد و منجر به افزایش روز به روز قیمت در این بازارها می‌شود به همین دلیل پذیرش FATA می‌تواند تاثیر زیادی در اقتصاد ایران بگذارد. زیرا ما به این جهان ایمظمنان را می‌دهیم که قصد پولشویی نداریم. ما از ۴۴ بند تنها در ۴ مساله اختلاف نظر داریم و ۴۰ مورد آن را عملا پذیرفته‌ایم. اگر بتوانیم بر سر آن ۴ مورد به توافق برسیم می‌توانیم از همه مزایای اقتصاد بین‌الملل بهره‌مند شویم. بر اساس آمار کرمگ، در سال ۱۸۰۰ ایران با ۲۸ کشور مرادوه تجاری داشت اما از ۳ سال پیش تاکنون مرادات تجاری‌مان به ۹ کشور تقلیل یافت و باهم‌ها اگر قرار است محدودیت‌ها و تحریم‌های بیشتری اعمال شود مانند تحریمی که در عراق علیه ایران قرار است اعمال شود و اجازه ورود ارز از عراق به ایران داده نشود پس دولت ناگزیر بر روی درآمدهای مالیاتی سرمایه‌گذاری می‌کند. مردمی هم که نتوانند سود کنند طبیعتی است که نمی‌توانند مالیاتی پرداخت کنند و این باعث می‌شود دولت در کسب درآمدهای مالیاتی موفق نشود.

نکته

رضانصری: حفظ روابط راهبری ایران و روسیه مهم است

یک کارشناس مسائل بین‌الملل در این خصوص که حسابست اروپا روی مساله حمایت ایران از روسیه بعد از تحولات اوکراین چقدر در تشدید تنش بین ایران و اروپا موثر بوده گفت: عامل اصلی تشدید تنش بین ایران و روسیه برداشت تحریف‌شده‌ای است که از همکاری ایران و روسیه در قضیه اوکراین در فضای عمومی آن‌ها حاکم شده است. حقیقت این است که افکار عمومی در اروپا به شدت متأثر از جنگ اوکراین است و طبیعتا سیاستمداران اروپایی نیز نسبت به هرگونه «مشارکت» در جهت کمک به روسیه واکنش تند نشان می‌دهند. رضا نصری اظهار داشت: به همین خاطر هم اپوزیسیون وابسته به عربستان و اسرائیل و همچنین جریان‌های تجزیه‌طلب در خارج از کشور مدام اصرار دارند هر بار صحبتی از جنگ اوکراین می‌شود نام «ایران» راهم در کنار نام «روسیه» بنشانند تا ایران را در اقدامات سیاسی، حقوقی، امنیتی، بلکه نظامی غرب علیه روسیه شریک سازند. امروز در مصوباتی که در کنگره آمریکا مطرح است یا در اقداماتی که در سطح اروپا در واکنش به روسیه می‌بینیم، همواره اسم ایران نیز مطرح است. وی افزود: اصولاً چرخش ناگهانی اروپا به سمت سیاست‌های افراطی و نامتعارف علیه ایران به دلیل استنباط آنها و برداشت افکار عمومی از نقش ایران در جنگ اوکراین است. ضمن اینکه برخی در اروپا معتقدند باید ابتدا به افکار عمومی خود نشان دهند که در قبال مشارکت ادعایی ایران در اوکراین «واکنش» نشان داده‌اند تا بعد بتوانند متعاقباً بحث مذاکرات هسته‌ای را پیش بکنند. همین کشور‌های اروپایی کمتر از دو سال پیش در برابر دولت ترامپ در شورای امنیت با قاطعیت صف‌آرایی کردند تا تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران را در زمان موجود لغو کنند؛ آن‌هم به رغم اینکه خوب می‌دانستند نهادی که از لغو این تحریم‌های تسلیحاتی بیش از همه منتفع خواهد شد، سپاه پاسداران خواهد بود. حال باید آسیب‌شناسی کنیم تا ببینیم در زمینه سیاست‌گذاری، گفت‌وگان، تصویرپردازی و اجرای سیاست خارجی در یک سال اخیر چه ضعف‌هایی داشته‌ایم که امروز همین کشور‌ها به راحتی بحث از اقدامات رادیکالی از قبیل قرار دادن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی می‌کنند. وی تاکید کرد: حفظ روابط راهبردی ایران و روسیه مهم است. اما این روابط نباید به گونه‌ای شکل بگیرد که ایران درگیر عواقب و پیامدهای اقدامات ماجراجویی‌های روسیه در اروپا شود.

غلامعلی رجایی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

دولت باید قبل از سال جدید

چند وزیر را تغییر بدهد

ظریف، زنگنه و جهانگیری نباید از چرخه مدیریت کشور حذف می‌شدند

مدیران اقتصادی دور یک میز می‌نشینند اما اختلافات را رسانه‌ای می‌کنند

قالبیاف بیشتر تمایل به پاستور دارد تا بهارستان

هر سیستمی نیاز به بازنگری در رویکردهای خود دارد

قانون اساسی نیاز به تجدیدنظر دارد

جریان اصولگرایی از ظرفیت تغییر برخوردار نیست

چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۱/۰۵
شماره ۱۴۷۸ پنجم
۳۱ رجب ۱۴۴۴ / ۲۵ ژانویه ۲۰۲۳



آرمان ملی – احسان انصاری: «در مدیریت کشور باید از دو بال سیاسی و ظرفیت‌های موجود استفاده می‌شد. افرادی مانند آقای ظریف، زنگنه و جهانگیری نباید از چرخه مدیریت کشور حذف می‌شدند. آقای رئیسی باید این افراد را نگه می‌داشت. این در حالی است که این اتفاق رخ نداد و از کسانی در دولت استفاده شد که تجربه برخی از آنها در حد مدیر کلی بود و به همین دلیل چنین افرادی نمی‌توانند با برحران‌های موجود جامعه مواجهه اصولی داشته باشند. امروز مهم‌ترین مشکلات کشور در زمینه معیشتی و اقتصادی زندگی مردم و همچنین در ارتباط با کشورهای خارجی است که مادر هر دوز مینه با چالش مواجه هستیم.» جملات ذکر شده اظهارات دکتر غلامعلی رجایی، استاد دانشگاه و فعال سیاسی و مدیر ارشد بازرگانی است. رجایی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی دولت و کشور می‌پردازد که در ادامه ماحصل این گفت‌وگورامی خوانید.

◀ **با توجه به اتفاقاتی که در ماه‌های اخیر در کشور**

و عرصه بین‌المللی رخ داده آیا

درک نیاز به تغییر در رویکردها

به وجود آمده است؟

در حین اعتراضات آقای قالبیاف عنوان کردند که پس از پایان التهابات تغییراتی در حکمرانی ایجاد خواهد شد. اگرچه ایشان سابقه نظامی گری دارند اما رویکردی که نشان داده‌اند به واقع گرای نزدیک‌تر است. البته از این نکته نیز نباید غافل شد که رویکردی که آقای قالبیاف در پیش گرفته بیشتر به سمت ریاست جمهوری است و به نظر می‌رسد ایشان تمایل بیشتری به امور اجرایی دارند تا حضور در

مجلس. اظهاراتی که آقای قالبیاف به عنوان رئیس مجلس عنوان می‌کنند متفاوت‌تر از جایگاه ریاست مجلس است. این در حالی است که ایشان می‌توانند از تریبون مجلس در مورد مسائل کلان کشور صحبت کنند. در گفته‌های مسئولان دیگر دیدگاه‌هایی مبنی بر درک نیاز به تغییر مشاهده نمی‌شود. البته این موضوعات بیشتر در محافل عمومی مطرح می‌شود و به دلیل اینکه ما از اظهارات و تصمیماتی که در محافل خصوصی گرفته می‌شود بی‌اطلاع هستیم. من بعید می‌دانم کسی پیام اعتراضات و نیاز به تغییر چه در ساختارها و چه در رویکردها را ندیده باشد. برخی از مسئولان مانند آقای قالبیاف به نیاز به تغییر را بیان کرده‌اند که به هر حال یک قدم جلو است اما برخی هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند یا اگر رسیده‌اند نیز آن را بیان نمی‌کنند. متأسفانه برخی به جای پیدا کردن راه حل برای چالش‌های موجود به دنبال پاک کردن صورت مسأله هستند.

◀ **تنش‌های بین‌المللی به چه میزان در سرعت بخشیدن به تغییرات در رویکردها نقش داشته است؟**

در شرایط کنونی جامعه ایران به دنبال اصلاحات در زمینه‌های مختلف است و این موضوع را به خوبی می‌توان از رفتار و اظهارات مردم و نخبگان متوجه شد. در شرایط کنونی گروه‌هایی که خواستار تغییر رویکردها هستند طیف متنوعی را در برمی‌گیرد و هر کدام نیز ایده‌های خاص خود را مطرح

می‌کنند. تنش‌های بین‌المللی موضوع جدیدی نیست و در چهار دهه گذشته همواره با ما همراه بوده است. پارلمان اروپا سپاه پاسداران را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داده است. این اتفاق در عمل امکان تحقق ندارد. پارلمان اروپا در نهایت به این موضوع به دلیل اینکه ریسک زیادی دارد رأی نخواهد داد. این در حالی است که باید واکنش‌های جمهوری اسلامی را در نیز در این زمینه در نظر گرفت.

جمهوری اسلامی واکنش‌هایی نشان خواهد داد که در نهایت به سود اتحادیه اروپا نخواهد بود. به هر حال کشورهای اروپایی نمی‌توانند توفیقات

armanmeli.ir

دولت باید قبل از سال جدید

چند وزیر را تغییر بدهد

ظریف، زنگنه و جهانگیری نباید از چرخه مدیریت کشور حذف می‌شدند

مدیران اقتصادی دور یک میز می‌نشینند اما اختلافات را رسانه‌ای می‌کنند

قالبیاف بیشتر تمایل به پاستور دارد تا بهارستان

هر سیستمی نیاز به بازنگری در رویکردهای خود دارد

قانون اساسی نیاز به تجدیدنظر دارد

جریان اصولگرایی از ظرفیت تغییر برخوردار نیست

اظهارات اخیر رئیس کل بانک مرکزی درباره اینکه رسانه‌ها باعث افزایش قیمت دلار شده‌اند باعث تعجب در بین مردم شد. قرار داشت را نادیده بگیرند. به نظر می‌رسد کشورهای اروپایی همچنان دچار ضعف تحلیل از مسائل داخلی ایران هستند و چشم‌شان بیشتر به بیانیه‌های منافقان و اپوزیسیون خارج از کشور است. واقعیت این است که ما به تغییر نیاز داریم و ندای تغییر باید در درون شنیده شود و در رویکردها دیده شود. از سوی باید در زمینه‌های دیگر و به خصوص در زمینه اقتصادی گشایش‌هایی صورت بگیرد. این تغییر البته به معنای تغییر سیستم نیست به دلیل اینکه امکان پذیر نیست و از سوی دیگر مطلوب هم نیست. هر نشانه‌ای بعد از شکل گیری باید در

روند خود بازنگری‌هایی صورت بدهد. ما اگر اصلاحات را در داخل آغاز کنیم کشورهای خارجی ناچار خواهند بود شرایط خود را با ایران تنظیم کنند. دیدگاه‌هایی مبنی بر درک نیاز به تغییر مشاهده نمی‌شود. البته این موضوعات بیشتر در محافل عمومی مطرح می‌شود و به دلیل اینکه ما از اظهارات و تصمیماتی که در محافل خصوصی گرفته می‌شود بی‌اطلاع هستیم. من بعید می‌دانم کسی پیام اعتراضات و نیاز به تغییر چه در ساختارها و چه در رویکردها را ندیده باشد. برخی از مسئولان مانند آقای قالبیاف به نیاز به تغییر را بیان کرده‌اند که به هر حال یک قدم جلو است اما برخی هنوز به این نتیجه نرسیده‌اند یا اگر رسیده‌اند نیز آن را بیان نمی‌کنند. متأسفانه برخی به جای پیدا کردن راه حل برای چالش‌های موجود به دنبال پاک کردن صورت مسأله هستند.

◀ **به نظر می‌رسد اصولگرایان**

بر این باور هستند که اگر اصلاحات را از درون جریان اصولگرایی آغاز کنند می‌توانند

در ساختارهای تصمیم‌گیری نیز اصلاحات ایجاد کنند. آیا ظرفیت ایجاد تغییر را در جریان اصولگرایی می‌بینید؟
خیر؛ چنین ظرفیتی در جریان اصولگرایی وجود ندارد. در مدیریت کشور باید از دو بال سیاسی و ظرفیت‌های موجود استفاده می‌شد. افرادی مانند آقای ظریف، زنگنه و جهانگیری نباید از چرخه مدیریت کشور حذف می‌شدند. آقای رئیسی باید این افراد را به هر قیمت نگه می‌داشت. این در حالی است که این اتفاق رخ نداد و از کسانی در دولت

استفاده شد که بیش‌ترین تجربه برخی از آنها در حد مدیر کلی بود و به همین دلیل چنین افرادی نمی‌توانند با برحران‌های موجود جامعه مواجهه اصولی داشته باشند. امروز مهم‌ترین مشکلات کشور در زمینه معیشتی و اقتصادی زندگی مردم و همچنین در ارتباط با کشورهای خارجی است که ما در هر دو زمینه با چالش مواجه هستیم و نتوانسته‌ایم خواسته‌های مردم را برآورده کنیم. ما هنوز نتوانسته‌ایم با عربستان و کشورهای منطقه رابطه خوبی برقرار کنیم. این در حالی است که علائم خوبی مشاهده نمی‌شود. شاید در ماه‌های ابتدایی شکل گیری دولت برخی مسائل طبیعی بود، اما در شرایط کنونی که دولت به دو سالگی خود نزدیک می‌شود باید نشانه‌هایی مبنی بر تغییر مثبت در دولت وجود داشته باشد. من نگران این موضوع هستم که مسائل معیشتی و اقتصادی مردم در آینده حل نشود و بلکه تشدید نیز شود. ما در عرصه بین‌المللی نباید گرایش افراطی به شرق داشته باشیم و غرب را رها کنیم، بلکه باید در این زمینه یک تعادل ایجاد شود. از سوی دیگر در زمینه داخلی نیز ما نیاز به تغییر و وضعیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین اولویت جامعه داریم.

وزیر امور خارجه:

رفتارهای احساسی برای اروپا هزینه‌زاست

انتخاب‌های موجود، همکاری‌های جمعی در قالب سازو کارهای چندجانبه است. حسین امیر عبداللہیان گفت: اکو باید ارتقا دهنده تجارت درون – منطقه ای مابین اعضا باشد. وی افزود: بحران امنیت انرژی جاری در جهان و منطقه به وضوح آسیب‌پذیری کشورهای مصرف‌کننده انرژی نسبت به شوک‌های غیرمنتظره را عیان ساخت. تغییرات اقلیمی و سرمای‌زمستانی اخیر نیز آسیب‌پذیری برخی کشورهای تولیدکننده انرژی را گوشزد کرد. منطقه اکو می‌تواند به الگویی از مشارکت مابین کشورهای تولیدکننده و کشورهای مصرف‌کننده انرژی تبدیل شود. بی‌تردید، مشارکت در حوزه گاز و حوزه برق از اولویت‌های اکو در این راستاست. مایلم به ابتکار ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «گاز در خدمت بازیابی اقتصاد جهانی پس از کووید» اشاره کنم که در مجمع کشورهای صادرکننده گاز ارائه گردید. از جمله، در چارچوب مبانی و اصول ملی و

نگره

تنگه هرمز؛ آیا مسأله این است: بستن یا بستنی؟!

مصوبه جدید پارلمان اروپا تحت عنوان به رسمیت شناختن سپیاه به عنوان گروه تروریستی، سبب شده است نمایندگان مجلس در چند روز اخیر بر ضرورت اجرایی شدن طرح بستن تنگه هرمز تاکید کنند. برای نمونه محمدحسن آصفری، نماینده اراک در مجلس در گفت‌وگو با ایلنا از دنبال کردن طرح‌هایی چندفوریتهی برای اعمال محدودیت بر تردد کشتی‌های تجاری اروپایی در تنگه هرمز، در صورت عدم عقب‌نشینی پارلمان اروپا سخن رانده است. زهرا شیخی، نماینده اصفهان نیز در توتیتی نوشته، «وقت مماشات نیست. همه کشورهای جهان عوارض عبور از تنگه‌ها را می‌گیرند. امنیت تنگه هرمز را سپاه مقتدر ایران تأمین می‌کند و اروپا دهد. جواب سبیلی، سبیلی است.» با فرض محقق شدن چنین ایده‌ای، پرسش این است که بستن تنگه هرمز، چه پیامدهایی را بر جای خواهد گذاشت؟ در راستای پرداختن به این پرسش‌های اساسی، در ابتدا ضروری است به سناریوهای پیش‌رو در صورت اجرایی شدن ایده بستن تنگه هرمز پرداخته شود.

◀ **سناریوی خوش‌بینانه**

ایده طرفداران تر مسدود کردن یا در حالت حداقلی، اخذ عوارض از کشتی‌های در حال عبور از تنگه هرمز در چارچوب سناریوی «تسلیم شدن غرب در برابر ایران» بازخوانی می‌شود. استدلال اصلی مطرح‌کنندگان سناریوی حاضر این است که ایران با کنترل تنگه هرمز، صادرات نفت خام در جهان را کنترل می‌کند. با این اقدام عملا منافع آمریکا و متحدانش در سطح منطقه با تهدید حاکم‌کنری مواجه می‌شود. در اثبات این مسئله نیز بر موارد ذیل انگشت می‌گذارند: تنگه هرمز از نظر ژئوپلیتیکی، استراتژیک‌ترین آبراهه بین‌المللی است. این تنگه با طول ۱۰۰ مایل (۱۶۱ کیلومتر) در باریک‌ترین نقطه عرض به ۲۱ مایل (حدود ۳۴ کیلومتر) محدود می‌شود. کم عمق بودن تنگه هرمز نیز دیگر ظرفیت ویژه آن برای دست بالای ایران است. محدود بودن عرض تنگه، به‌گونه‌ای است که در هر لاین کشتیرانی تنها در ۲ مایل (۳٫۲ کیلومتر) صورت می‌گیرد. تنگه هرمز، هلالی شکل و قوس آن رو به شمال است و داخل فلات ایران قرار دارد. ایران بیش‌ترین منطقه ساحلی را با تنگه هرمز دارد و از بیش‌ترین توان مانور فوق‌العاده در این نقطه استراتژیک برخوردار است. ۴۰ درصد نفت مبادلاتی یعنی ۱۵ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز از طریق نفتکش‌ها از این تنگه عبور می‌کنند. کشورهای حوزه خلیج فارس شامل، عربستان، عراق، کویت، قطر، بحرین و امارات که حدود ۳۰ درصد نفت جهان را تولید می‌کنند، ۹۰ درصد صادراتشان از این تنگه هرمز است. از نگاه طرفداران این تر، بستن تنگه هرمز می‌تواند به معنای قطع ورود نفت منطقه خلیج فارس به بازار جهانی باشد. اهمیت تنگه هرمز به اندازه‌ای است که تمامی تلاش‌ها در دو دهه گذشته برای یافتن مسیری جایگزین برای صادرات نفت و تجارت از این نقطه، با شکست مواجه شده است. دست آخر طرفداران این ایده استدلال‌شان این است که بستن تنگه هرمز در بازار جهانی نفت اختلالی بزرگ ایجاد خواهد شد و اروپا و آمریکا باید در انتظار نفت بشکه‌ای ۲۰۰ دلاری باشند که به معنای وقوع فاجعه بزرگ در اقتصاد آن‌ها خواهد بود. در ارزیابی سناریوی فوق‌ای باید توجه داشت که با وجود واقعی بودن تمامی ابعاد ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک تنگه هرمز برای جامعه جهانی، چنین ایده‌ای منطبق با رویکردی خوش‌بینانه است.

◀ **سناریوی واقع‌گرایانه**

در مقابل سناریوهای خوش‌بینانه، سناریوی واقع‌بینانه‌ای قابل طرح است. برخلاف سناریو نخست که چنین پنداشته می‌شود یا بستن تنگه هرمز، غربی‌ها دست تسلیم را بالا می‌برند اساس استدلال این است که چنین رخدادی واکنش شدید جامعه جهانی را در پی خواهد داشت. واکنش‌ها به جنگ منتهی نخواهد شد. بستن تنگه هرمز تنها تهدیدی برای غرب نخواهد بود، بلکه شرق عالم (علی‌الخصوص چین) نیز از چنین رخدادی به شدت متضرر خواهد شد. ۸۰ درصد از نفت وارداتی به چین، ژاپن و کره از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود که تقریباً تمامی آن از تنگه هرمز عبور می‌کند. سهم اروپایی‌ها از نفت وارداتی از تنگه هرمز به مراتب محدودتر از کشورهای شرق آسیاست. در ایده‌آل‌ترین شرایط می‌تواند به حدود ۲۵ درصد برسد! نتیجه قطعی این خواهد بود که بیش از

غرب، نیازهای انرژی کشوری همچون چین

است که مورد تهدید قرار می‌گیرد. پرسش حالا این خواهد بود که چین و دیگر کشورهای شرق

در مقابله با بستن تنگه هرمز چه خواهند کرد؟ آیا

غرب علیه ایران خواهد شد؟

◀ **سناریوی بدبینانه**

جامعه جهانی در مقابل بستن تنگه هرمز، به برخورد با ایران برای باز نگه داشتن این آبراهه بین‌المللی با توسل به قواعد حقوقی رجوع خواهد کرد. این‌ها پیش‌بینی‌های باورمندان به سناریوی بدبینانه است. اساس استدلال آن‌ها این است که بستن استراتژیک‌ترین آبراهه بین‌المللی اقدامی نیست که جامعه جهانی بافاز مصالحه‌بان تعامل کند. این سناریو را می‌توان خطرناک‌ترین احتمال برای امنیت منطقه‌ای و جهانی مورد ارزیابی قرار داد. تحقق چنین سناریویی می‌تواند پیامدهای قابل‌بیش‌بینی را به‌همراه داشته باشد.